

عنوان مقاله: نقش تجارت مرزی در تثبیت جمعیت روستایی: مطالعه موردی حوزه نفوذ بازارچه مرزی سردشت

رحیم محمدی صالح^۱ - رشید بوکانی^۲ - رضا ویسی^۳

دریافت: ۱۳۹۰/۴/۱۲

پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۱۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۹ روز نزد پدیدآوران بوده است.

چکیده:

مبادله‌های تجاری و اقتصادی، نیرو محرکه و موتور توسعه هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. این مبادله‌ها می‌توانند عامل پویایی و شکوفایی مناطق مرزی باشند و نقش اساسی در افزایش استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب و برابر درآمدها و جمعیت و تسریع همکاری‌های بیشتر بین نواحی مرزی بازی کنند. هدف پژوهش حاضر آن است که نقش مبادله‌های تجاری در تثبیت جمعیت روستایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ بنابراین ناحیه مورد مطالعه محدوده‌ای در قسمت غربی شهرستان سردشت که هم‌مرز با کشور عراق است، می‌باشد. همچنین جامعه آماری پژوهش حاضر را ۱۳ روستا که برابر با ۳۰۹ خانوار بود، تشکیل دادند. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه به تعداد ۹۰ نفر از سرپرستان خانوار محاسبه شد و ۳ روستای مورد نظر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و افراد سرپرست خانوار نیز با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز از دو طریق عینی تکمیل پرسشنامه، مصاحبه و مطالعه کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید و داده‌های جمع‌آوری شده از روش آمار توصیفی، استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با تحلیل داده‌ها و اطلاعات، اثرات بازارچه مرزی بر میزان درآمد و تسهیلات رفاهی روستاییان نمونه و ماندگاری جمعیت در مقاطع مختلف و سرشماری‌های مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که در محدوده مورد مطالعه، مبادلات مرزی می‌تواند منجر به ماندگاری جمعیت شود و می‌توان با ساماندهی اینگونه مبادلات در مناطق مرزی توسعه سکونت‌گاه‌های روستایی را انتظار داشت.

کلیدواژه‌ها: بازارچه مرزی، حوزه نفوذ، تثبیت جمعیت، روستا، سردشت.

۱. کارشناس امور آمایش و توسعه منطقه‌ای، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (نویسنده مسئول)
rmohamadi_2009@yahoo.com

۲. دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، مدرس دانشگاه پیام نور
rashid_boukani@yahoo.com

۳. کارشناس امور آمایش و توسعه منطقه‌ای، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور
rveicy@gmail.com

نقش تجارت مرزی در تثبیت جمعیت روستایی: مطالعه موردی حوزه نفوذ بازارچه مرزی سردشت

مقدمه

فرآیند توسعه روستایی کوششی هوشمندانه جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی مردم ساکن روستاها تلقی می‌شود. با توجه به موقعیت کشور و توزیع جمعیت در فضای جغرافیایی آن، نیاز به برنامه‌ریزی توسعه روستایی بسیار با اهمیت و مشهود است (محمدی، ۱۳۸۲). گسترش فعالیت‌های تجاری همراه با زیرساخت‌ها و در نظر گرفتن خودگردانی و تقویت بنیان‌های تولیدی جامعه روستایی، راه‌حل مناسبی در راستای نیل به توسعه روستایی است. نواحی مرزی توان‌های قابل توجهی برای گسترش فعالیت‌های تجاری دارند، از این رو فرصتی در اختیار مناطق روستاهای مرزی قرار می‌دهند تا روند توسعه خود را بهتر ببینند (محمدی‌صالح، ۱۳۸۹).

از جمله معضلات جامعه روستایی مرزی تخلیه جمعیتی اینگونه روستاها و عدم تثبیت جمعیت روستایی است. با توجه به وجود پتانسیل‌های تجاری در این مناطق انتظار می‌رود تا ساماندهی بازارچه‌های مرزی و مبادلات آن منجر به تثبیت جمعیت و یا حداقل کاهش شدت آن در عرصه روستاهای مرزی گردد. شهرستان سردشت از توابع استان آذربایجان غربی، یکی از مناطقی است که توان توسعه فعالیت‌های تجاری را دارد؛ از طرف دیگر وجود انواع قومیت‌ها در این منطقه و سابقه توسعه نیافتگی و همجواری با کشور عراق و ترکیه از نقاط حساس و آسیب‌پذیر کشور محسوب می‌شود و لازم است برنامه‌های توسعه روستایی متناسب با توان‌ها و مزیت‌های اقتصادی ناحیه، مورد توجه قرار گیرد.

سعی این پژوهش بر آن بوده است تا نقش مبادلات تجاری به واسطه بازارچه‌های مرزی در تثبیت جمعیت روستاهای حوزه نفوذ بازارچه مورد تبیین و تحلیل قرار گیرد. از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد توان‌های توسعه فعالیت‌های تجاری روستایی را با تاکید بیشتر بر تجارت مرزی با محدودیت‌های موجود و احتمالی آن، در دو دوره زمانی قبل و بعد از تاسیس بازارچه مورد مقایسه قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

تجارت

یکی از ویژگی‌های برجسته قرن بیستم، رشد سریع تجارت بین‌الملل است، به طوری که رشد تجارت در بسیاری از دهه‌های قرن مذکور بالاتر از رشد تولید جهانی قرار داشته است. برای کشورهای در حال توسعه که به جهت نیاز به وسایل تولید کارخانه‌ای، و همچنین هماهنگی فناوری مصرفی، مجبور به واردات از جهان پیشرفته صنعتی می‌باشند و بنا به گسترش روزافزون اطلاعات و آگاهی‌های ذهنی و متعاقب آن سیر فزاینده تقاضا نیز به بازار جهانی وابسته هستند، تجارت خارجی نه به‌عنوان یک فعالیت معمول اقتصادی، بلکه به‌عنوان موتور محرکه اقتصادی و گاه به‌عنوان دریچه‌ای به جهان توسعه‌یافته مطرح می‌گردد.

گزارش سرمایه‌گذاری جهانی سال ۲۰۰۰ که در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد توسعه تجارت انتشار یافته است، نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های خارجی در طول دو دهه گذشته به نرخ میانگین سالیانه بیشتر از ۴۲ درصد و به میزان ۲/۳ تریلیون دلار در سال ۱۹۹۹ رسیده است. در این میان سهم مناطق میان مرزی به طور نسبی در سراسر دهه ۱۹۹۰ هم از نظر ارزش و هم از نظر تعدد معاملات، حدود ۲۵ درصد در سال ثابت مانده است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق میان مرزی از ۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۷ به ۷۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است (Moskalev, 2010).

امروزه صادرات برای کشورهای رو به توسعه، نه تنها یک نیاز، بلکه راز توسعه است و از طریق صادرات نه تنها ارز مورد نیاز واردات مواد واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای لازم فراهم می‌شود، بلکه و شاید مهم‌تر از آن از طریق تعهد نظام تجاری کشور، به ویژه در بخش تولید و توزیع کالاها و خدمات صادراتی، به اجرای ضوابط و الزامات بازار جهانی در سیاست توسعه صادرات پرداخته می‌شود. این امر تحول مداومی در نظام فعالیت‌های تجاری و تولیدی کشور ایجاد می‌کند که به طور خودجوش، طی مکانیسمی درونی، بدون نیاز به ایجاد انگیزش‌های اضافی و خارجی، قدرت تولید و رقابت خارجی افزایش یافته و آن چنان بازسازی و احیایی در نظام به‌وجود می‌آورد که حرکت و هماهنگی با پیشرفت‌های دنیای خارج در آینده، جزئی از ذات نظام تولید و تجارت کشور گشته و هرگز دچار توقف نگردد.

بسیاری از کشورها توسعه صادرات را تدریجی پیموده‌اند و همگام با آن و یا شاید به تبع نیازهای آن، همراه با توسعه صادرات به آزادسازی واردات نیز اقدام کرده‌اند. با توجه به رشد فزاینده علوم و فناوری و عدم دستیابی به منابع نامحدود و امکانات بی‌شمار در کشورهای در حال توسعه،

توجه به این مساله که شکاف موجود بین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته روز به روز بیشتر می‌شود، ایجاب می‌کند که کشورهای توسعه‌نیافته به تجزیه و تحلیل آثار مثبت و منفی ایجاد بازارچه‌های مرزی تجاری بپردازند. با بررسی اهداف گوناگونی که این کشورها در ایجاد این مراکز دارند، به یک هدف مشترک دست یافته می‌شود که آن هدف دستیابی به توسعه اقتصادی است. تحولات اقتصادی جهان و تجربه کشورهای توسعه‌یافته امروزی در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر نشان داد که تجارت جهانی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد. به خصوص در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات فناوری به اندازه‌ای سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست؛ توسعه بدون همیاری، بهره‌گیری و داد و ستد با دیگران ممکن نخواهد بود.

مبادلات اقتصادی

امروزه هر جامعه‌ای می‌تواند با ایجاد و توسعه مبادلات اقتصادی خود با جوامع دیگر، تسهیلات فراوانی را جهت رشد و توسعه اقتصادی به دست آورد. این تسهیلات از طریق بازرگانی فراهم نمی‌شود؛ بلکه از طریق مبادلات، نقل و انتقال عوامل تولید، کالاها و خدمات، سرمایه، نیروی انسانی و دانش حاصل می‌گردد.

صادرات و واردات کالاها به‌عنوان دو قطب اساسی در مبادلات بازرگانی خارجی نقش مهمی در توسعه اقتصادی ملت‌ها دارند. افزایش تقاضا و در اثر آن، افزایش حمل‌ونقل سطح فعالیت‌ها در کشور تولیدکننده، موجب افزایش تولید و در نتیجه توسعه ابعاد واحدهای تولیدی و رقابتی آنها می‌شود، به همان نحو، افزایش واردات به ویژه واردات کالاهای سرمایه‌ای (در کشورهای عقب‌مانده) و یا واردات از عوامل تولید و مواد (بیشتر در کشورهای صنعتی) موجب می‌شود سطح فعالیت‌ها و تولید داخلی افزایش، و توسعه تسریع یابد (یاسوری، ۱۳۸۶).

اهداف بازارچه‌های مرزی

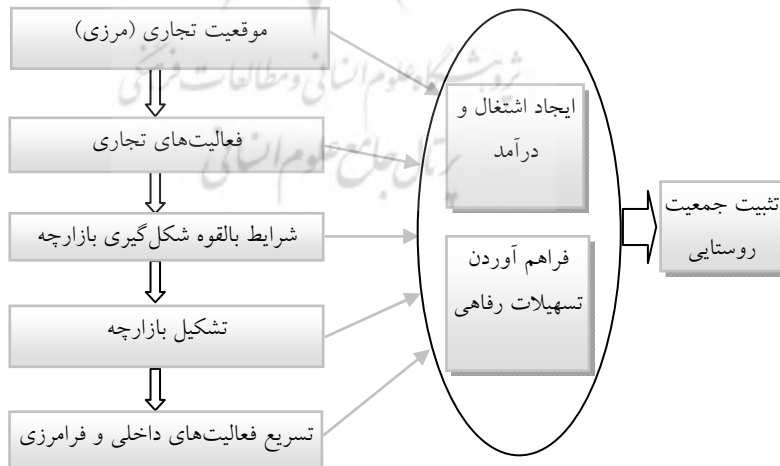
هدف ایجاد بازارچه‌های مرزی جلوگیری از مهاجرت اهالی مرزنشین، کاهش قاچاق کالا، رفع نیازهای مرزنشینان و در نهایت توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق محروم مرزی است. البته هدف‌های دیگری از جمله اهداف امنیتی برای افزایش ضریب امنیتی مناطق مرزی با تاکید بر اصل تجمیع فعالیت‌ها و تحکیم روابط عاطفی مرزنشینان دو کشور هم‌جوار نیز از اهداف ایجاد و توسعه بازارچه‌ها هستند (رضایی، ۱۳۸۰).

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر بررسی نقش و تأثیر مبادلات تجاری از طریق بازارچه‌های مرزی بر تثبیت جمعیت روستایی در منطقه مورد مطالعه بود. اهداف فرعی آن نیز شامل بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان در منطقه مورد مطالعه؛ و بررسی تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی در منطقه مورد مطالعه است.

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش به منظور جمع‌بندی و ارائه چارچوب مفهومی برای بررسی نقش مبادلات مرزی در تثبیت جمعیت روستایی با استفاده از موقعیت جغرافیایی منطقه، اقدام به ارائه چارچوبی برای پژوهش گردید. بر این اساس به منظور درک بهتر چارچوب، ابتدا به بررسی موقعیت طبیعی منطقه پرداخته می‌شود که این امر موقعیت تجاری و به دنبال آن فعالیت تجاری را موجب می‌گردد و دو عامل فوق خود شرایطی را به وجود می‌آورند تا تشکیل بازارچه به صرفه باشد. بدین ترتیب بازارچه از طرف دولت به رسمیت شناخته می‌شود و رنگ قانونی به خود می‌گیرد و موجب می‌گردد تا مبادلات به صورت قانون‌مند رد و بدل شود. وجود تبادلات کالا خود عاملی برای ایجاد درآمد و فراهم شدن تسهیلات رفاهی خواهد بود و این دو عامل موجب ماندگاری و تثبیت جمعیت می‌شود. نمودار ۱، چارچوب نظری پژوهش را نشان می‌دهد.



نمودار ۱: چارچوب نظری پژوهش

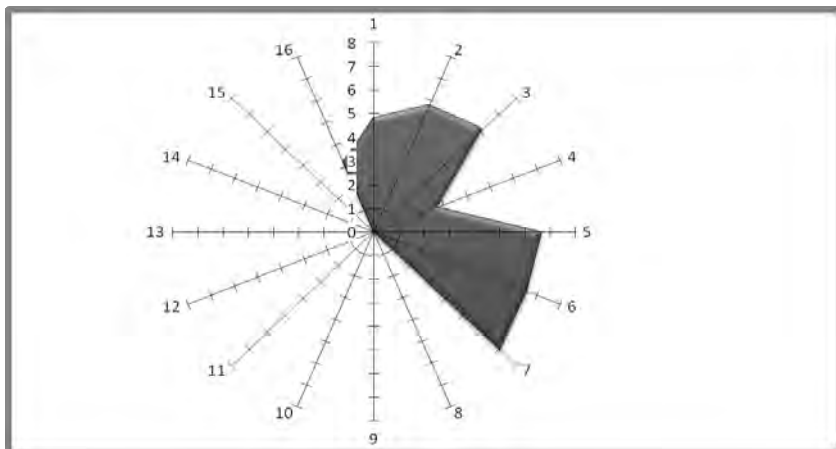
روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نوع پژوهش یا نحوه گردآوری داده‌ها پیمایشی و از نوع توصیفی، تحلیلی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی اثرات مبادلات تجاری در تثبیت جمعیت روستاهای مرزی است؛ بنابراین با در نظر گرفتن محدوده مطالعاتی که تحت حوزه نفوذ مستقیم بازارچه است، سعی شده تا این اثرات و پیامدهای آن مورد مطالعه و کنکاش قرار گیرد. بر همین اساس طبق مصاحبه‌های صورت گرفته با ساکنین مناطق، این نتیجه حاصل شد که تعداد ۱۳ روستا به صورت مستقیم از اثرات بازارچه مورد مطالعه و مبادلات صورت گرفته در آن تاثیر می‌پذیرند و به اصطلاح در زیرحوزه نفوذ بازارچه قرار می‌گیرند. برای تعیین حوزه نفوذ بازارچه از روش تعدیل شده آر. اس. دیک^۱ استفاده شد. این تکنیک برای محاسبه تغییرپذیری دامنه عملکردی خدمات نواحی روستایی به کار می‌رود و بر اساس آن مشخص می‌شود که حوزه نفوذ خدماتی نواحی روستایی در چه جهتی گسترش بیشتری دارد تا در مرحله بعدی علت و عواقب آن مورد بررسی قرار گیرد (افراخته، ۱۳۸۷).

در اینجا منظور از حوزه نفوذ بازارچه تنها روستاهایی بوده‌اند که به‌عنوان نیروی حمل‌ونقل کالا در بازارچه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و از طریق پرسشگری در مسیرهای ۱۶ گانه مربوط به نمودار ۲، مشخص شده و حوزه نفوذ تجاری بازارچه طبق روش تعدیل شده به‌دست آمده است. به طوری که این نمودار نشان می‌دهد، بیشترین دامنه خدمات تجاری در بخش جنوب‌شرقی، شرق و شمال‌شرقی محدوده مورد مطالعه بوده است و در بخش‌های شمال‌غربی و جنوبی، به دلیل توپوگرافی ناهموار و به تبع آن عدم وجود سکونت‌گاه‌های روستایی، بازارچه دارای حوزه نفوذ نمی‌باشد، همچنین نداشتن حوزه نفوذ بازارچه را در قسمت غربی محدوده می‌توان به دلیل وجود مرز بین‌المللی با کشور عراق دانست.

همان‌گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد، دامنه نوسان حوزه نفوذ تجاری بازارچه دارای دو حداکثر و یک حداقل است که از هر یک از این سه منطقه یک روستا به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. بنابراین با توجه به بالا بودن تعداد روستاها و محدودیت زمان انجام این پژوهش از بین ۱۳ روستای موجود در حوزه نفوذ بازارچه، ۳ روستای کانی‌زرد، مزرعه و بنوخلف انتخاب و پرسشنامه‌های مورد نظر در آنجا تکمیل گردیدند.

1. R.S.DICK



نمودار ۲: حوزه نفوذ تجاری بازارچه مورد مطالعه

همان‌طور که گفته شد، دامنه نوسان حوزه نفوذ تجاری بازارچه دارای دو حداکثر و یک حداقل است که از هر یک از این سه منطقه یک روستا به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای به‌عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شد. در دامنه حداقل شرقی، روستای کانیزرد، در دامنه حداکثر شمال شرقی روستای مزرعه و در نهایت در دامنه حداکثر جنوب شرقی محدوده روستای بنوخلف به‌عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند.

برای تعیین حجم نمونه جمعیتی، ابتدا از روش کوکران استفاده شد و پس از تعیین حجم نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، پرسشنامه‌های مورد نظر در روستاهای نمونه تکمیل گردید. بدین ترتیب از تعداد ۳۰۹ خانوار روستایی به‌عنوان جامعه آماری، ۹۰ خانوار به‌عنوان نمونه آماری از طریق فرمول کوکران به‌دست آمد که افراد مورد نظر به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور تجزیه و تحلیل موضوع مورد مطالعه از آمارهای جمعیتی رسمی و پرسشنامه استفاده شد. در یافته‌های پرسشنامه‌ای از آمار توصیفی و تحلیلی (استنباطی) استفاده گردید که نتایج آن به شرح زیر است.

با توجه به یافته‌های توصیفی پرسشنامه (سرپرستان خانوار)، نتایج زیر به‌دست آمد: قریب به اتفاق پاسخ‌دهندگان ابراز نمودند که بعد از ایجاد بازارچه، ماندگاری در روستا مطلوب بوده و ۸۴/۱۶ درصد از پرسش‌شوندگان، عامل بیکاری را دلیل اصلی مهاجرت ذکر کردند. با ایجاد بازارچه، میزان تسهیلات در روستا افزایش یافته و اکثر روستاییان آن را در سطح خوب ارزیابی نمودند و بیشتر پاسخ‌دهندگان میزان درآمد خود را بعد از تاسیس بازارچه مناسب ذکر کردند.

پس از ارایه یافته‌های توصیفی، در این قسمت یافته‌های تحلیلی مبتنی بر نظر سرپرستان خانوار و نرخ رشد در دوره قبل و بعد از تاسیس بازارچه در مورد تأثیر تجارت مرزی بر تثبیت جمعیت روستایی ارایه گردید. شایان ذکر است که به‌منظور آزمون سنجش تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان و میزان بر خورداری روستاییان از خدمات رفاهی و تأثیر آنها در تثبیت جمعیت در منطقه مورد مطالعه از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. در واقع، این آزمون به بررسی این مسئله می‌پردازد که "آیا میانگین یک متغیر خاص با یک مقدار خاص فرق دارد یا خیر؟"؛ بنابراین آزمون t تک‌نمونه‌ای، میانگین نمونه پژوهش را با یک مقدار خاص^۱ مقایسه می‌کند.

تأثیر بازارچه مرزی بر میزان درآمد روستاییان در منطقه مورد مطالعه از دیدگاه سرپرستان خانوار

با استناد به نتیجه آزمون t (۱۳/۳)، در خصوص سنجش تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان، باید اذعان داشت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین فرضی (۱/۵) و میانگین به‌دست آمده (۱/۷) وجود دارد. از همین رو، فرض H_1 پژوهش که دلالت بر بیشتر و بزرگ‌تر بودن مقدار میانگین به‌دست آمده از میانگین فرضی داشته و به عبارتی دلالت بر تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان داشته، تأیید شده و در مقابل فرض H_0 مبنی بر کوچک‌تر یا کمتر بودن مقدار میانگین به‌دست آمده از میانگین فرضی یا عدم تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان می‌باشد، رد گردید. در نتیجه تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان شناخته شد.

1. Test Value

جدول ۱: نتایج حاصل از آزمون سنجش تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان درآمد روستاییان

Test Value = 1/5						متغیر
سطح معنی داری	مقدار t	اختلاف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۱	۱۳/۳	۱/۷۱	۱/۲۲	۲/۸۳	۹۰	سنجش تأثیر بازارچه مرزی بر میزان درآمد روستاییان

تأثیر بازارچه مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی در منطقه مورد مطالعه از دید سرپرستان خانوار

با استناد به نتیجه آزمون t (۲۳/۴)، در خصوص سنجش تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی، باید اذعان داشت که با اطمینان ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ تفاوت آماری معنی‌داری بین میانگین فرضی (۱/۵) و میانگین به‌دست آمده (۱/۷) وجود دارد. از همین رو، فرض H_1 که دلالت بر بیشتر و بزرگ‌تر بودن مقدار میانگین به‌دست آمده از میانگین فرضی داشته و به عبارتی دلالت بر تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی داشته، تأیید شد و در مقابل فرض H_0 مبنی بر کوچک‌تر یا کمتر بودن مقدار میانگین به‌دست آمده از میانگین فرضی یا عدم تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی می‌باشد، رد گردید. بنابراین تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی شناخته شد.

جدول ۲: نتایج حاصل از آزمون سنجش تأثیر بازارچه‌های مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی

Test Value = 1/5						متغیر
سطح معنی داری	مقدار t	اختلاف میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۰/۰۱	۲۳/۴	۷/۸۱	۳/۱	۱۷/۵۱	۹۰	سنجش تأثیر بازارچه مرزی بر میزان برخورداری روستاییان از خدمات رفاهی

بررسی تحولات جمعیتی در محدوده و منطقه مورد مطالعه

برای بررسی نرخ رشد، به بررسی مقایسه نرخ رشد جمعیت و جمعیت روستایی شهرستان و مقایسه آن با نرخ رشد جمعیت در محدوده مورد مطالعه و روستاهای نمونه پرداخته شد. همچنین

به طور اجمالی به مقایسه نرخ رشد طبیعی با نرخ رشد مطلق نیز پرداخته شد که تفاضل بین این دو نشان از مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی دارد.

همچنان که از جدول ۳ مشخص است، نرخ رشد در سال‌های قبل از تاسیس بازارچه در اکثر نقاط جمعیتی به خصوص در محدوده مورد مطالعه و روستاهای نمونه منفی می‌باشد که این امر در نقاط روستایی به دلیل مهاجرت‌های روستایی شهری می‌تواند توجیه‌پذیر باشد. در طی سال‌های بعد از تاسیس بازارچه میزان نرخ رشد در کل شهرستان اندک بوده و به میزان ۱/۲۵ درصد رسیده و در نقاط روستایی به ۱/۲۱- درصد می‌رسد که در محدوده مورد مطالعه با وجود مرزی بودن و آسیب‌پذیری بیشتر نرخ رشد جمعیت به‌طور نسبی بالا (یعنی ۳/۷۳ درصد) می‌باشد.

جدول ۳: مقایسه نرخ رشد در نقاط مختلف جمعیتی منطقه در دوره‌های مختلف سرشماری

نرخ رشد		
قبل از تاسیس بازارچه (قبل از سال ۱۳۷۵)	بعد از تاسیس بازارچه (۱۳۷۵-۱۳۸۵)	
۲/۲۷	۱/۲۵	شهرستان
۰/۹۶	-۱/۲۱	روستا
-۰/۳۵	۲/۲۵	روستاهای محدوده
-۱/۱۲	۳/۷۳	روستاهای نمونه

منبع: مرکز آمار ایران طی دوره‌های مختلف سرشماری

مقایسه نرخ رشد مطلق و نرخ رشد طبیعی

به دلیل عدم دسترسی به آمارهای جمعیتی خانه بهداشت برای محاسبه نرخ رشد طبیعی، از آمارهای جمعیتی سازمان ثبت و احوال کشور که در خرداد سال ۱۳۸۹ اقدام به چاپ گزارشی پیرامون وقایع حیاتی کشور نموده است، استفاده شد. بنابراین اینگونه آمارها به تفکیک استانی بوده و متأسفانه دسترسی به آمارهای حیاتی در سطح شهرستان و روستاها مقدور نبوده است.

با مقایسه نرخ رشد طبیعی و نرخ رشد مطلق نتایجی که قبل در مورد تثبیت جمعیت حاصل شده، به نتایج زیر دست یافت. چنانچه نرخ رشد طبیعی محدوده را بالاتر از نرخ رشد طبیعی استان (۱/۵۴ درصد) در نظر گرفت و آن را ۲ درصد فرض نمود (به دلیل اینکه زاد و ولد شهرستان سردشت بالاتر از میانگین استان بوده است)، این نتیجه حاصل خواهد شد که میزان نرخ رشد طبیعی کمتر از نرخ رشد مطلق (۷۳۸۳) بوده و این تفاضل خود نشان‌دهنده میزان مهاجرت حداقل

۱/۵ درصد بوده است. بنابراین این موضوع نیز خود دلیلی بر تثبیت جمعیتی روستاهای حوزه نفوذ بوده است.

انگیزه‌های مهاجرت روستایی

مردم غالباً از سرزمین‌هایی که شرایط اقتصادی آنها ضعیف، ناکافی و نارساست، خارج می‌شوند و به مناطقی که دارای جاذبه‌های شغلی بهتر، دستمزدهای بالاتر و محرک‌های اقتصادی و اجتماعی بیشتری هستند، وارد می‌گردند. در واقع آنچه به روند فروپاشی آبادی‌های کوچک در کنار سایر عوامل دامن می‌زند، بی‌توجهی به آنها در برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای است. تا جایی که در برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی و نیز برنامه‌های اجرایی در زمینه‌های خدمات‌سانی، به‌سازی و نوسازی معمولاً آبادی‌های زیر ۵ خانوار در حاشیه قرار می‌گیرند. بدین ترتیب تضاد میان زندگی در عرصه‌های شهری و روستایی و کمبودهای بنیادی در سطح واحدهای روستایی از یک‌سو و بی‌توجهی بنیادی به بسیاری از آبادی‌ها از سوی دیگر منجر به روی آوردن روستاییان به سوی مراکز شهری به‌منظور دستیابی به امکانات و تسهیلات گوناگون شده است (مطیعی‌لنگرودی، ۱۳۸۶).

اگرچه بنا به اظهار پیتیه (۱۳۶۹) علل مهاجرت روستایی - شهری را نمی‌توان به طور کامل برشمرد، چرا که علت‌ها کلاف سردرگمی را تشکیل می‌دهند که در آن تمامی عناصر تحول اقتصادی و اجتماعی دنیای ما دخالت دارند، اما در این قسمت با استفاده از نتایج پژوهش انجام شده و پیگیری فرض مورد نظر به طور مشخص، مهمترین انگیزه‌ها و عوامل موثر در مهاجرت روستاییان قبل از تاسیس بازارچه مورد مطالعه، معرفی می‌شود.

بیکاری روستاییان

مهاجرت‌های ناشی از بیکاری اعم از بیکاری آشکار، پنهان و کم‌کاری در اغلب موارد ابتدا به صورت مهاجرت فصلی اتفاق افتاده و سپس به مهاجرت دائم تبدیل می‌شود. بیکاری در روستاها در اصل ناشی از عدم تطابق تحولات و رشد جمعیت روستاها با تحولات اقتصادی و شغلی آنان است. محدودیت منابع تولید کشاورزی موجب شده که مازاد جمعیت روستایی به دنبال شغل و منبع درآمد روانه شهرها شوند. قبل از ایجاد بازارچه میزان مهاجرت بیشتر به دلیل بیکاری بوده که این امر مهاجرت‌هایی را در پی داشته است. بر همین اساس ۸۴/۱۶ درصد از پرسش‌شوندگان، عامل بیکاری را انگیزه اصلی مهاجرت ذکر کرده‌اند. بنابراین با ایجاد بازارچه از شدت بیکاری به شدت کاسته شده و به دنبال آن مهاجرت‌های روستایی متوقف می‌شود، زیرا عامل اصلی ماندگاری در

مناطق روستایی بیشتر اقتصادی بوده و در صورتی که مردم درآمد کافی برای ادامه زندگی در محیط‌های روستایی داشته باشند پدیده مهاجرت به شهرها کاسته خواهد شد.

درآمد اندک

بیشتر پاسخ‌دهندگان میزان درآمد خود را قبل از تاسیس بازارچه تا حدودی مناسب و نامناسب ابراز نموده‌اند، ولی بعد از تاسیس بازارچه این میزان به نحو چشمگیری افزایش یافته و بیشتر پاسخ‌دهندگان میزان درآمد خود را زیاد (مناسب) عنوان نموده‌اند.

محرومیت و ضعف خدماتی

ضعف شدید خدمات زیربنایی و رفاهی در روستاهای محدوده مورد مطالعه یکی از دلایلی است که موجب مهاجرت افراد و خانواده‌ها می‌گردد. این ضعف خدماتی به ویژه در مورد روستاهای مرزی به حدی است که می‌توان اصطلاح محرومیت را به کار برد. بیشتر پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که قبل از تاسیس بازارچه میزان تسهیلات رفاهی در حد بسیار ضعیف بوده و با ایجاد بازارچه میزان تسهیلات در روستا افزایش یافته و اکثر روستاییان آن را در سطح مطلوب ارزیابی نموده‌اند. در نتیجه با ارایه نرخ رشد در طی دوره‌های مختلف سرشماری و مقایسه آن با نرخ رشد جمعیت شهرستان، جمعیت روستایی و غیره، این مطلب را باید یادآوری نمود که وجود مبادلات مرزی علی‌رغم محلی بودن، باز یکی از عوامل اصلی ماندگاری جمعیت روستایی محدوده بوده است. همچنین با تحلیل پرسش‌هایی که از طریق آزمون t تک نمونه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفت، می‌توان به این نتیجه رسید که بازارچه مرزی اثرات مثبتی بر میزان درآمد و ایجاد تسهیلات داشته و این دو عامل همچنان که از آمارهای مختلف سرشماری و سازمان ثبت احوال کشور پیداست، باعث نگاهداشت جمعیت روستایی شده است؛ بنابراین فرضیه مورد نظر پژوهش که ایجاد بازارچه مرزی موجب تثبیت جمعیت روستایی شده است را مورد پذیرش قرار می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در مناطق مرزی و حاشیه‌ای کشور، مشکل عمده توسعه منطقه‌ای در عدم تعادل منطقه‌ای، تفسیر و تحلیل می‌شود. با توجه به اینکه اکثر مناطق مرزی به دلایلی چون عدم وجود آب کافی، شرایط اقلیمی نامناسب، عدم وجود خاک حاصلخیز، توپوگرافی و شیب ناهموار و غیره، از شرایط اقتصادی و رفاه اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند، بنابراین دولت موظف است از طریق

برنامه‌ریزی برای ایجاد تعادل منطقه‌ای حداقل امکانات و رفاه اقتصادی را برای ساکنین این نواحی فراهم نماید.

مناطق مرزی و حاشیه‌ای که دارای نیازهای ویژه و امکانات بالقوه ساختاری برای تجدید تعادل در زمینه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند، باید به نحو مناسبی با مراکز اقتصادی ارتباط یابند. در مناطقی که شرایط زندگی در عقب‌ماندگی و سخت باقی مانده است، باید شرایط زندگی مردم به‌ویژه فرصت‌های اشتغال، درآمد و تسهیلات رفاهی و خدمات‌رسانی بهبود یابد. بر این مبنا با وجود مبادلات مرزی از طریق تاسیس بازارچه‌ها در این مناطق، می‌توان با ارتقای شغلی و درآمد و وضعیت رفاهی ساکنین مناطق مرزی و ... ماندگاری جمعیت که خود یکی از ابعاد توسعه می‌باشد را به نحو کامل انتظار داشت.

شهرستان سردشت برای توسعه مبادلات مرزی، به‌ویژه از طریق بازارچه‌های مرزی از پتانسیل بالایی برخوردار است. با توجه به مرزی بودن شهرستان و نزدیکی مکانی با بازار شمال عراق از یک طرف و وجود فرهنگ و زبان مشترک با ساکنین آن سوی مرز، این شهرستان می‌تواند کانونی باشد که کالاها را با مزیت بیشتر صادر یا وارد کند.

عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری دولت در زمینه ایجاد شبکه‌های ارتباطی مناسب، عامل اصلی ناشناخته ماندن شهرستان به‌عنوان یک کانون تجارتي و در انزوا قرار گرفتن آن، نبود اتصالات مناسب، شبکه دسترسی، عدم مشارکت دادن مردم در مدیریت بازارچه و کمبودها می‌باشد.

توان مرزی در محدوده مورد مطالعه می‌تواند فرصت بالقوه تجاری مناسبی را در اختیار ساکنان منطقه مورد مطالعه قرار دهد. کشور ایران و عراق به‌دلیل داشتن مشترکات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روابط تجاری دیرینه می‌توانند بازار خوبی برای محصولات و کالاهای همدیگر باشند و در این راستا می‌توانند کالاهای مکمل یکدیگر را تولید و مبادله کنند. بنابراین باید از توان موجود در راستای توسعه پایدار روستایی استفاده مطلوب به عمل آورد و از جمعیت آسیب‌پذیر منطقه در جهت ماندگاری در موطن خود حمایت نمود.

پیشنهادها

مناطق مرزی گرفتار طیف وسیعی از مشکلات هستند که آنها را در خطر همیشگی مواجه با حاشیه‌ای شدن قرار داده که این امر باعث ایجاد شکافی ناشی از عدم اعتماد متقابل مرکز نشینان و مرز نشینان شده است. با توجه به تنوع، پیچیدگی و معضلات چندبعدی مناطق مرزی نباید برای پاسخگویی به آنها به دنبال یک راه‌حل ساده گشت، بلکه باید رویکردها و راه‌حل‌های مختلفی

را در برابر این معضلات ارایه نمود. به عبارت دیگر باید سطح افق را از یک چارچوب تک عتّی به یک دیدگاه سیستمی و همه‌جانبه گسترش داد و توجه نمود که مشکلات مرزها را می‌توان از طریق راه‌حل‌های درونی مرتفع نمود. به همین دلیل پاسخ به نیازهای طبیعی و حقوقی انسانی و اجتماعی مرزنشینان متکی بر اصل عدالت اجتماعی، اقتصادی و پرهیز از اعمال تبعیض‌های ناروا، بی‌تردید در کاهش آسیب‌پذیری این مناطق سهم به سزایی ایفا می‌کند.

بنا به ملاحظه‌های فوق هر گونه پیشنهاد جهت بهبود معیشت و به عبارتی وضعیت زندگی مردم، نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح و اصولی دارد که در این راستا بازارچه‌های مرزی جهت رونق تجارت و اشتغال مرزنشینان تاسیس شده‌اند. توسعه و ساماندهی بازارچه‌ها و رفع مشکلات می‌تواند در ارتقای سطح معیشت مرزنشینان بسیار موثر باشد. به عبارتی هر چند مشکلات موجود محدودیت‌هایی در فعالیت بازارچه‌ها ایجاد کرده است، ولی در صورت تعیین ضوابط مناسب این بازارچه‌ها می‌توانند در رونق اقتصادی موثر واقع شوند و در ایجاد اشتغال و در نتیجه توسعه مناطق مرزی و حاشیه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. بر همین اساس در این راستا پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- توسعه مشاغل تبعی بازارچه به‌منظور ایجاد اشتغال و جلوگیری از تخلیه جمعیتی منطقه؛
- ۲- ایجاد امکانات و تسهیلات رفاهی و ارتباطی در بازارچه‌ها (راه آسفالت، برق، رستوران، امکانات اداری و...) به‌منظور دسترسی روستاییان به این امکانات؛
- ۳- ضرورت مشارکت دادن مردم بومی در مدیریت و ساماندهی بازارچه؛
- ۴- تجدیدنظر در آیین‌نامه مبادلات مرزی که به طور صریح محلی بودن کالاهای صادراتی را تایید نمی‌کند.

محدودیت‌های پژوهش

از محدودیت‌ها و مشکلات پژوهش، جدید بودن موضوع و کمبود منابع پایه در این زمینه می‌باشد که تلاش بیشتری را می‌طلبد. از طرفی نحوه فعالیت بازارچه‌ها در منطقه به اقبال مرزنشینان در کشور، سطح کشور همسایه و نحوه اداره محلی بازارچه‌ها برمی‌گردد، بنابراین در هر بازارچه شکل کار و سطح عملکرد متفاوت می‌باشد و نمی‌توان با یک روش خاص نسبت به بررسی و ارزیابی بازارچه‌ها اقدام کرد. به هر حال اهم مشکلات پژوهش را به طور خلاصه می‌توان به این شرح عنوان کرد:

- فقدان و کمبود هر گونه پژوهش مستقل به‌عنوان الگوی مناسب کاری برای انجام پژوهش؛

- کمبود، فقدان اطلاعات آماری و ارقام مورد نیاز و در برخی موارد وجود اطلاعات آماری غیر مطمئن و دوگانه بودن آمارها؛
- نبود وسیله رفت و آمد در کارهای میدانی و مطالعه‌های حضوری پژوهشگر که می‌بایست در سر بزنگاه حضور فیزیکی داشته باشد؛
- عدم همکاری برخی سازمان‌ها، اداره‌ها، ارگان‌ها و در برخی موارد مردم روستا در پاسخ به پرسش‌ها به خصوص زمانی که رایبه اطلاعات برای آنها منفعتی نداشته باشد.

منابع

الف) فارسی

- افراخته، حسن. (۱۳۸۷). *مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های روستایی*. تهران: انتشارات گنج هنر. صفحه ۱۱۱.
- پیتیه، ژاوی. (۱۳۶۹). *مهاجرت روستاییان*. ترجمه مصطفی مومنی کاشی. تهران: انتشارات سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. صفحه ۱۳۴۶.
- رضایی، علی. (۱۳۸۰). *چون و چرای بازارچه‌های مرزی*. *ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی اقتصاد ایران*، دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداردهای وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۳۶، صفحه ۱۷.
- محمدی صالح، رحیم. (۱۳۸۹). *نقش مبادلات تجاری در توسعه روستایی، مطالعه موردی بازارچه مرزی سردشت*. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت معلم تهران. صفحه ۱.
- محمدی، محمدرضا. (۱۳۸۲). *جایگاه صنایع کوچک دستی در توسعه روستایی*. *فصلنامه علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۲۱، صفحه ۱۶.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). *سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن طی دهه‌های ۵۵، ۶۵، ۷۵ و ۸۵*. مطبوعی لنگرودی، حسن. (۱۳۸۶). *برنامه‌ریزی روستایی با تاکید بر ایران*. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد. صفحه ۵۷.
- یاسوری، مجید. (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی*. مشهد: آستان قدس رضوی. صفحات ۳۴-۳۳.

ب) انگلیسی

- Moskalev, S. A. (2010). Foreign ownership restrictions and cross-border markets for corporate Control. *Journal of multinational Financial Management*, 20(1), 48-70.